

به نام خداوند متعال و توانا که نعمت برکت او را برای همه خواهانم

The Land of Opportunity - سرزمین امکانات

من به صفت یک صاحب کار و یا بزنس اونر مقیم امریکا در بی اریا صحبت میکنم. من و آنهایی که مثل من از فرصت و امکانات این مملکت استفاده کرده و خود را صاحب کار خود ساخته اند مثل همه به اجتماع خود خدمات و ارزش های مفیدی را عرضه کرده ایم. و البته که امید ما برای ساختن یک زندگی بهتر بوده است.

After landing in America, this land of opportunities, many Afghans, including myself, chose to build our own businesses. Not only we offer services and products to our community but this decision was more for the pursuit of making a better life for ourselves and our families.

بدون شک که امریکا سرزمین امکانات و پیشرفت است و هر شخصی که آرزوی رسیدن به هر جای و هر مقامی را داشته باشد میتواند برسد.

Undoubtedly, America is the land of opportunities and if one chooses - could reach to anything and anywhere he or she desires.

اما یک اصلی که بعضی از ما صاحبداران بزنس های شخصی در پهلوی این تلاش برای پیشبرد زندگی و یا رسیدن به اشیای که فکر میکنیم باید داشته باشیم فراموش کرده ایم. آنهم عدم توازن بین زندگی ظاهری و باطنی ما است که وجود ما ها را به مثل یک ماشین اتومات به طرف ناتوانی میبرد.

However, most of us business owners have forgotten the delicate balance of our own inner and outer desires chasing our wishes of having more stuff.

وقتی من خودم خود را در قدم آخری خواهشات ظاهری خود مجسم کردم ، تمام زحمات خود را برای رسیدن به آنجا - بیجا و بی مفهوم یافتم. متوجه شدم که بین آن چیزی را که آرزو میکنم با کاری که انجام میدهم توازن وجود ندارد. مثلاً من میخواستم تا وقت بیشتر با اولاد هابم بگذرانم ولی به عوض آن وقتم را در کار میگذشتاندم تا بتوانم اشیای قیمتی برایشان بخرم و یا پول بیبی سینتر را بدهم تا کار مرا برایم انجام بدهد.

البته رسیدن به درک این نقطه آسان نبوده و نیست -- نه تنها اینکه در هیچ مکتب و فاکولته ای تدریس نمیشود بلکه جامعه برق مانند ما - وقت - آنرا بما نمیدهد تا ما این مطلب را درک کنیم.

When I envisioned myself achieving all the things I wanted, I realized all my efforts reaching there were meaningless and empty. I noticed that I didn't have a balance between what I am doing and what I really wished for as my inner desires. I wanted to spend time with my kids, but instead I was at work so I could buy them expensive stuff or pay for the babysitter to do my job.

Of course, reaching to this point is not easy as it is not taught in any school or university. In fact, our fast paced society today does not give us the TIME to think about this fact.

خواهران و برادران:

پس چطور میتوانیم در پهلوی تلاش زندگی آرامش خاطر نیز داشته باشیم؟ باید فکر کرد که چطور میتوانیم خود را از مرض تشویش برای فردا و ندامت دیروز رهایی ببخشیم؟

Ladies and Gentlemen,

This land of opportunity revolves on materialism. Then, how could we have peace of mind and act more like a human instead of a production robot?

We really have to think that how we could save ourselves from the unwanted stress of blaming ourselves for what we did yesterday and anxiety over what's going to happen tomorrow.

جواب این سوالها را فقط با کمی فکر کردن مییابیم در صورتی که به خود کمی فرصت - یعنی - وقت بدهیم. تنها با فکر کردن خود و هدف زندگی خود را قبل از اینکه دیر شده باشد پیدا میکنیم.

در این سرزمین - امکانات زیادی بدست هر کدام ما است که در توازن با زندگی ظاهری و معنوی خود به شکل بسیار ساده تر از آنچه زندگی میکنیم - زندگی کنیم.

جامعه امروزی ما افغانها و ایرانی ها در خارج ضرورت بسیار جدی برای بدست آوردن این توازن دارد و پر کردن این خالیگاه بدوش شخص خود ما است.

We can answers these questions only if we give a little time to ourselves to figure it out before it's too late. We have lots of resources here to live a balanced life.

Today, our communities of Afghans and Iranians are in a great need for reaching this equilibrium; and, fulfilling this need is only our own personal responsibility.

من که فکر میکنم عامل اساسی که زندگی ما را از توازن بیرون آورده است عدم احساس یک عقیده راسخ است - یعنی توکل به تدبیر خداوند را از یاد برده ایم و با مشکلات زندگی به تنهایی مجادله میکنیم. در حالیکه میدانیم که قوت ما مثل یک انسان به چه اندازه است.

من توسط مطالعات و تجسس خود به این نتیجه رسیدم که در پهلوی هر کاری که میکنیم، هر مقامی که داریم، و هر قدر ثروتی که داریم - هر مخظه خود را باید با عشق و نور هدایات الهی گذشتاند ورنه عمری را به خواب گذشتانده ایم - چه در امریکا و یا در هر سرزمینی که زندگی کنیم.

A key missing ingredient in keeping our lives unbalanced is the power of our own spirituality and faith. I mean, we have forgotten that God is great and will guide us through difficult times. Instead we think we are all alone in this up hill battle.

Through my own research, I have come to the conclusion that no matter what we do, where we are and how much we have, we must have God's greatness in our hearts and use it as a guiding light to succeed. Otherwise, we have wasted a life time living here in the United States or anywhere else in the world.

در اخیر به بعضی نکاتی اشاره میکنم که اگر عملی گردد میتواند باعث آوردن توازن در زندگی میشود.

At the end, I like your attention on some important points that can bring balance in life.

Of course, in no particular order:

- Pray sincerely – pray not because you have to, but because you want to
-
- Live with less expenses – مثلی که بیدل میگوید: ترک آرزو کردم رنج هستی آسان شد
-
- Read - Because we have all the knowledge and wisdom of ages at our fingertips
-
- Ask for help – People are always willing to help
-
- Follow your heart – وقتی عقل ما یک چیز میگوید و احساس ما چیزی دیگری – با احساس تان همراه شوید.
-
- Take risks& trust God.
-
- Put family first – هیچگاه خوشی نزدیکان تانرا به کار و یا پول برابر نکنید
-
- Value time Because time is the ONLY scarcity in our life
-
- Own your own business - تا که بهانه ای برای عدم توازن نداشته باشی
-
- & Lastly: Listen: listen to your kids, listen to your family, listen to your community, and listen to your own heart.

And, thank you for listening to me!

Farima Wassel Joya, October 22, 2009, Global Knowledge Conf., Cal State East Bay